

## رویداد غدیر خم در سال دهم

### از متواترترین رویدادهای اسلامی است

- حدیث شناسان، حدیث را به سه قسم تقسیم کرده‌اند:
۱. متواتر
  ۲. مستفیض
  ۳. خبر واحد
- و برای هر کدام، تعریف خاصی بیان کرده‌اند که در علم «درایه» مطرح می‌باشد. سخن ما فعلاً در تقسیم حدیث و تعریف آن نیست. سخن در موردی دیگر است و آن این که حدیث غدیر از نظر تعداد راویان در هر قرن، بالاترین مقام را در احادیث اسلامی به خود اختصاص داده است و شاید در میان احادیث اسلامی هیچ حدیثی از نظر فزونی راوی و عنایت مسلمانان به آن به جای این حدیث نرسد.
- محدثان، روایت «انما الأعمال بالنیات» را حدیث متواتر می‌دانند<sup>(۱)</sup> و
- در مقام ارائه نمونه به آن مثل می‌زنند و بخاری صحیح خود را با این حدیث آغاز نموده، و چه انگیزه‌ای در این کار بوده، روشن نیست.
- اکنون نظری به حدیث غدیر بیفکنیم و به تعداد راویان آن در هر قرن اشاره کنیم:
- در طبقه صحابه، ۱۲۰ صحابی آن را نقل نموده‌اند.
- در طبقه تابعان، یعنی کسانی که پیامبر را ندیده ولی یاران او را دیده‌اند قریب ۹۰ نفر آن را نقل کرده‌اند.
- اگر از این دو نسل بگذریم طبقه علما و دانشمندان پیش می‌آید. در قرن دوم، یعنی سده دوم از هجرت پیامبر، ۵۶ دانشمند سنی آن را نقل کرده‌اند.

- در قرن سوم، ۹۱ دانشمند سنی آن را در کتاب خود روایت کرده‌اند.
- در قرن چهارم، ۴۳ عالم اهل سنت آن را آورده‌اند.
- در قرن پنجم، ۲۴ راوی آن را ضبط کرده‌اند.
- در قرن ششم، ۲۰ نفر عالم حدیث آن را ثبت کرده‌اند.
- در قرن هفتم، ۲۱ نفر.
- در قرن هشتم، ۱۸ نفر
- در قرن نهم، ۱۶ نفر
- در قرن دهم، ۱۴ نفر
- در قرن یازدهم، ۱۲ نفر
- در قرن دوازدهم ۱۳ نفر
- در قرن سیزدهم، ۱۲ نفر
- در قرن چهاردهم، ۱۹ نفر
- این حدیث را ثبت کرده‌اند.
- تعداد یاد شده از آن علما و دانشمندان اهل سنت است و اگر بر این تعداد، راویان شیعه امامیه و زیدیه را بیفزاییم و شاعرانی را که در طول قرون به زبانهای مختلف این حدیث شریف را در قالب شعر ریخته‌اند در نظر بگیریم، حدیث غدیر، به بالاترین حد از تواتر می‌رسد که در اسلام چنین حدیثی با این وصف سابقه ندارد.<sup>(۱)</sup>
- عنایت محدثان و محققان به حدیث غدیر در حدی است که ابوجعفر طبری مؤلف تفسیر و تاریخ طبری (۲۲۴-۳۱۰هـ) کتاب ویژه‌ای درباره‌ی اسانید این حدیث نوشته است. ذهبی در طبقات خود می‌نویسد: آنگاه که ابوجعفر طبری از برخی از معتزله به نام ابن ابی دؤاد شنید که درباره‌ی حدیث غدیر تردید کرده است، وی کتابی درباره‌ی فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام و اسناد این حدیث نگاشت، آنگاه می‌افزاید: من، یک جلد از این کتاب را دیدم و از کثرت طرق آن در شگفت ماندم.
- حدیث غدیر، پیوسته ملاک مناظره میان محدثان و علما بوده و از همان روز نخست، امیرمؤمنان، در موارد متعددی با حدیث غدیر، بر اولویت خود نسبت به خلافت، استدلال نموده است.
- چیزی که به حدیث غدیر، ابدیت و جاودانی بخشیده، نزول آیه‌هایی در قرآن، پیرامون این حادثه است.
۱. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ
۱. این آمار از کتاب شریف «الغدیر»، ج ۱، ص ۴۱ تا ۳۱۱ گرفته‌ایم.

اسلام است که پس از تأسیس آن باید در نگهداری دین، و جلوگیری از آسیب‌پذیری آن تلاش کند، و آن جز مسأله «امامت» و جانشینی پیامبر چیزی نیست.

۲. ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (۲)

«امروز، دین شما را برای شما کامل کردم و نعمت خود را به پایان رساندم و اسلام را به عنوان آیین جاودان برای شما پسندیدم». آیا این اکمال دین، و اتمام نعمت، کدام است؟ آیا احکام مربوط به خون و گوشت خوک و ذبح به غیر نام خداست چنانکه برخی تصور می‌کنند؟ در حالی که این احکام، در قرآن، در سوره‌های گوناگون قبل از نزول این آیه، بیان شده است.

در سوره انعام می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أُحَدِّثُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ

۱. مائده/۶۷.

۲. مائده/۳.

رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (۱)

«ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً به مردم برسان و اگر نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از خطرات نگاه می‌دارد. خداوند کافران لجوج را هدایت نمی‌کند».

گذشته از آنکه علمای شیعه اتفاق نظر دارند که این حدیث، در واقعه غدیر فرود آمده است، سی نفر از محدثان و دانشمندان اهل سنت، نزول این آیه را در روز غدیر، نقل کرده‌اند.

اکنون باید دید، کدام پدیده مهمی است که اگر رسول خدا آن را بازگو نکند، گویا در آن ۲۳ سال کاری انجام نداده است؟! آیا می‌تواند مربوط به احکام لحوم ومیته و مانند آن باشد؟ هرگز!

این پدیده به حکم آنکه اگر پیامبر تبلیغ نکند توگویی رسالت خود را انجام نداده است باید گفت آن چنان مهم است که بقای اسلام و حفظ و صیانت آن، از نظر ظاهر و باطن، صورت و معنا، بستگی به آن دارد، و آن معمار دوم

فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱﴾

مهربان است».

«بگو در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم جز آن که مردار باشد یا خونی که از بدن حیوانی ریخته باشد یا گوشت خوک که همه اینها پلیدند، یا حیوانی که به گناه با نام دیگری جز نام خدا بریده شده باشد، اما کسی که ناگزیر به خوردن آنها شود، بی آنکه لذت جویی یا تجاوز کرده باشد، که در این صورت خدای تو بخشنده و مهربان است».

حتی در آغاز ورود پیامبر به مدینه که سوره بقره نازل شده از احکام گوشت‌ها یادی شده است:

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۳)

«[خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است. [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود] به خوردن آنها ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، برای او گناهی نیست، خدا آمرزنده و مهربان است».

همگی می‌دانیم که سوره انعام، از سوره‌های مکی است و این آیه در مکه سالها قبل از واقعه غدیر خم نازل شده است.

این تنها سوره مائده نیست که احکام گوشت‌ها در آن آمده است، بلکه در سوره نحل احکام گوشت‌ها گفته شده، چنان که می‌فرماید:

با ورود احکام گوشت‌ها در مکه و در آغاز هجرت، نمی‌توان آیه اكمال را مربوط به بیان احکام این گوشت‌ها دانست، باید مربوط به حادثه بزرگی باشد که برقراری آن اصول و پایه‌ها را تکمیل کند و آن تعیین امام بعد از پیامبر است که در عین رسول نبودن وظایف

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲)

«بگو خداوند تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را که با نام غیر خدا سربریده‌اند، بر شما حرام کرده است، اما کسانی که ناچار شوند در حالی که لذت جویی یا تجاوز از حد ننمایند، خداوند بخشنده و

۱. انعام/۱۴۵.

۲. نحل/۱۱۵.

۳. بقره/۱۷۳.

پیامبر را انجام دهد.

### تصریح محدثان بر صحت حدیث غدیر

بسیاری از محققان و محدثان به صحت حدیث غدیر تصریح کرده‌اند:

۱. ترمذی (م ۲۷۹هـ) بعد از ذکر حدیث می‌گوید: «هذا حدیث حسن صحیح»<sup>(۱)</sup>.

۲. ابوجعفر طحاوی (م ۲۷۹هـ) می‌نویسد: «هذا الحدیث صحیح الاسناد ولا طعن لأحد فی رواته»<sup>(۲)</sup>.

آنگاه اضافه می‌کند که رسول گرامی صلی الله علیه و آله این حدیث را به هنگام بازگشت از حج به مدینه در نیمه راه، بیان فرمود.

تنها این دو نفر نیستند که صحت حدیث را تصدیق کرده‌اند، بلکه در میان این افراد، شخصیت‌هایی چون ابوعبدالله المحاملی البغدادی (متوفای ۳۳۰هـ)، ابوعبدالله حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵هـ)، و ابومحمد احمد بن محمد عاصمی و ابن عبدالبر قرطبی (متوفای ۴۶۳هـ) ابن مغازلی شافعی (متوفای ۴۸۳هـ)، ابومحمد غزالی (متوفای ۵۰۵هـ)، ابوالفرج ابن

الجوزی (متوفای ۵۹۷هـ)، سبط بن الجوزی (متوفای ۶۵۴هـ) و ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۵هـ) و ابوعبدالله کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸هـ)، علاء الدین سمنانی (متوفای ۷۳۶هـ)، شمس الدین ذهبی شافعی (متوفای ۷۴۸هـ)، نورالدین هیشمی (متوفای ۸۰۷هـ)، شمس الدین جزری شافعی (متوفای ۸۳۳هـ)، ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲هـ)، ابوالخیر شیرازی شافعی، جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱هـ)، شهاب الدین قسطلانی (متوفای ۹۳۳هـ)، ابن حجر هیتمی مکی (متوفای ۹۷۴هـ)، جمال الدین حسینی شیرازی (متوفای ۱۰۰۰هـ) و... همگان صحت و اتقان حدیث را تصدیق نموده‌اند، و اگر بخواهیم اسامی کسانی را که بعد از هزاره اول، صحت حدیث را تأیید کرده‌اند بیاوریم سخن به درازا می‌کشد، مرحوم علامه امینی در کتاب «الغدیر»، تعداد این گروه را که بر صحت حدیث

۱. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۹۱، شماره حدیث ۳۷۱۳.  
۲. طحاوی، مشکل الآثار، ج ۲، ص ۳۰۸.

محبت اهل بیت علیهم السلام و احترام به آنها را می‌پذیرد، دیگر برای دنباله‌روهای او جای انکار باقی نمی‌ماند.

بهتر است همگی گوش جان به سروش وحی بسپاریم که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ  
شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَى  
أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، و دشمنی با گروهی شما را وادار نسازد که عدالت را زیر پا نهد. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

شهادت داده‌اند به ۴۳ نفر رسانیده است.

### دلالت حدیث بر امامت

بنابراین نباید در صحت حدیث و تواتر آن کوچکترین شک و تردیدی به خود راه داد، و اما دلالت حدیث بر امامت علی علیه السلام و جانشینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر کسانی که خطبه حدیث را مطالعه کنند، روشن است، و ما در آینده درباره آن گفتگو می‌کنیم. (۱)

آیا شایسته است که با این همه اسناد و مدارک، برای فرار از حقیقت، جزوه‌هایی نوشته شده و در موسم حج در میان مسلمانان پخش شود و برخی از پایگاه‌های اینترنتی فرقه‌گرا که همواره در پی دامن زدن به آتش خصومت و دشمنی میان مذاهب اسلامی هستند، به انکار یکباره این حقیقت مسلم در تاریخ اسلامی بپردازند؟

کسانی که خود را پیرو ابن تیمیه می‌دانند و داعیه روشنگری و عقل‌گرایی دارند، آیا بهتر نیست، به کتابهای خود ابن تیمیه مانند «العقیده الواسطیه» و «منهاج السنه» بنگرند و دیگر کاسه داغ‌تر از آش نباشند و وقتی او واقعه غدیر و سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز به

۱. بررسی دلالت حدیث بر امامت حضرت علی علیه السلام به شماره دیگر ماکول می‌شود.  
۲. مائده/۸.